

# کتابخانه‌ها در تمدن‌های باستان

## اشاره

اختراع خط یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تمدن بشری است، به طوری که پیدایش آن را سرآغاز تاریخ به‌شمار می‌آورند. انسان به واسطه نوشتن بود که توانست دانش و تجارت خود را ثبت کند و اندیشه‌های خود را به صورت مکتوب درآورد و با انتقال آن به نسل‌های بعد زمینه پیشرفت تمدن و فرهنگ بشری را مهیا کند.

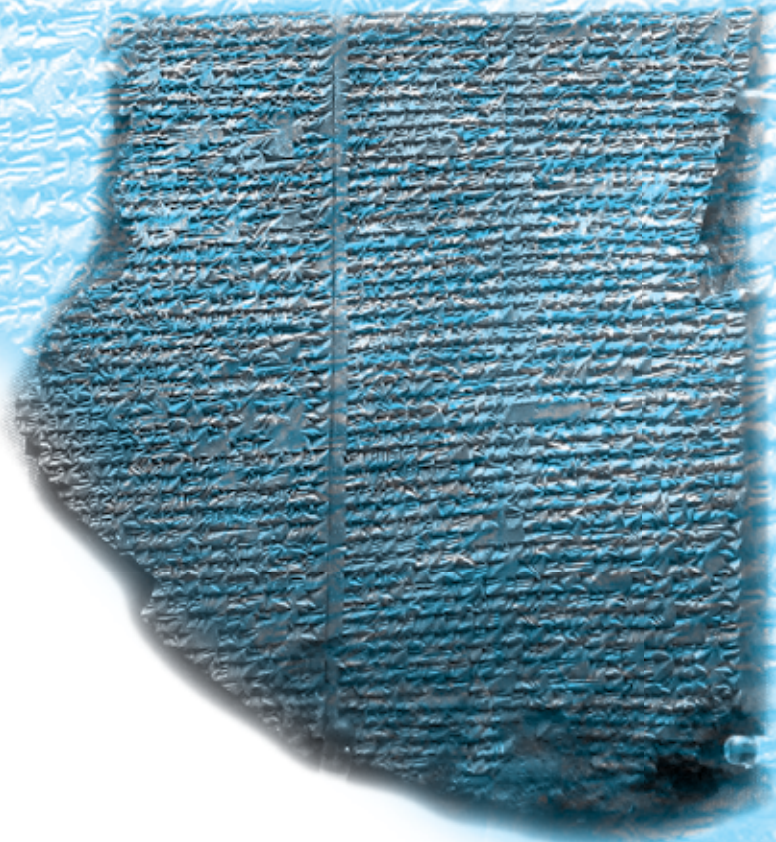
بعد از اختراع خط، انسان‌ها برای ثبت اخبار و علوم و وقایع زمان خود از انواع رسانه‌ها از قبیل الواح سنگی و گلی، پاپيروس، پوست و استخوان حیوانات و سرانجام کاغذ استفاده کردند، سپس برای حفاظت و نگهداری از این آثار و منابع نیازمند مکان‌ها و مراکزی شدند، بدین صورت بود که اولین کتابخانه‌ها در اولین تمدن‌ها شکل گرفت.

در مقاله پیش‌رو فرهنگ کتاب و کتابداری در دوران باستان بررسی شده است.

## الهام فرقدان

دبیر ناحیه یک قزوین

**کلیدواژه‌ها:** پاپيروس، الواح، کتابخانه‌ها، جهان باستان



لوح بابل

## سومریان

سومریان در دشت‌های سرسبز جنوبی سرزمین رافدین (سرزمین‌های حاصل خیز بین دو رود دجله و فرات) سکونت داشتند (لوکاس، ۱۳۷۶: ۸۱) و اولین قومی بودند که به یک نظام پیشرفته خط دست یافتند. آن‌ها در هزاره چهارم ق. م خط میخی را اختراع کردند که اهمیت زیادی در ترقی عالم قدیم داشته است (پیرنیا، بی تا، ۲۹) و به وسیله آن دین، فرهنگ و هنر خود را به نواحی مختلف گسترش دادند. خط میخی بعد از این قوم به اکد، ایلام، آشور، بابل (حاتم، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹) و ایران رسید. اختراع خط بزرگ‌ترین منتهی است که سومریان بر تمدن دارند.

آن‌ها برای نوشتن از قلم فلزی تیزی (به شکل میخ) استفاده می‌کردند و بر موادی چون گل نرم، عاج یا چوب می‌نوشتند و برای این منظور کاتبانی تربیت شده داشتند که پس از نوشتن، گل نرم را می‌پختند تا سخت شود. این الواح پخته شده نخستین کتاب‌هایی است که تاکنون کشف شده است. (موکهرجی، ۱۳۷۵: ۸۰)

آن الواح گلی که در معابد نگهداری می‌شده، در بردارنده قوانین، تصمیمات حقوقی، صورت قراردادهای، قباله‌های املاک، صورت خرید و فروش کالا و دانستنی‌هایی بود که به زندگانی روزمره این مردمان مربوط می‌شد؛ برخی از آن‌ها نیز تکالیف مدرسه بوده است. (حاتم، ۱۳۸۹: ج ۱: ۳۹)

برای اولین بار در سال ۱۸۷۷ م باستان‌شناسان فرانسوی موفق شدند تا در کاوش‌های خود در شهر قدیمی «گاش» کتابخانه معروف «تلو» را کشف کنند. در این کتابخانه ۳۰ هزار لوحه گلی وجود داشت. در این کاوش‌ها مشخص گردید که سومریان کهن‌ترین ادبیات شناخته شده جهان را تدوین کرده‌اند، بدین معنا بسیار پیش از آنکه یونانیان حماسه معروف «یلیاد» را به وجود آورند سومریان حماسه معروف «گیلگمش» را آفریده و بر روی الواح گلی ثبت کرده بودند. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۹۲)

## بابلیان

بابلیان در بخش پایینی بین‌النهرین سکونت داشتند. آن‌ها خط میخی و علوم ریاضی و ستاره‌شناسی و غیره را از سومریان آموختند. (استیپچویچ، ۱۳۷۳: ۳۰) آن‌ها برای کتابت بر

## برخی از مورخان بر این باورند که مهم‌ترین عاملی که نام آشور را در تمدن جاودانه ساخته کتابخانه‌های آنان است

روی الواح گلی، از وسیله‌ای مثلثی و نوک تیز که از سنگ یا عاج ساخته شده بود استفاده می‌کردند و پس از پایان نوشتن الواح را در کوره می‌گذاشتند تا پخته و محکم شود. (نیکنام، ۱۳۷۱: ۴) کاوش‌هایی که در اطراف شهر «نپور» بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ توسط باستان‌شناسان آمریکایی انجام شد منجر به کشف معبدی گردید که دارای اطاق‌های بسیار و پر از الواح گلی بود. این امر دلالت بر این داشت که این معبد در اصل جزئی از کتابخانه‌ای غنی، و مخزن اسنادی مربوط به نیمه دوم هزاره سوم (یعنی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال ق. م) بوده است. (دال، ۱۳۷۲: ۴۲)

به‌طور کلی کتابخانه‌های بابلیان بیشتر از نوع کتابخانه‌های معابد و قصرها بوده، که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به کتابخانه «بورسیپا» اشاره کرد. (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۸۱) از کتابداران بابل با عنوان «استاد الواح مکتوب» یاد شده است و از میان آن‌ها از شخصی به نام «آمیل - آنو» نام برده شده است. این کتابداران می‌بایست افرادی کار آزموده می‌بودند. آن‌ها ابتدا دوره‌های ویژه فنون کتابت را می‌گذراندند و در زمینه نوشته‌ها یا نوع موادی که قرار بود به توسط آن‌ها نگهداری شود تعلیم دقیق می‌دیدند؛ سپس چند سالی کار آموزی می‌کردند و طی آن در پیشه کتابداری متبحر می‌شدند و همزمان آن چندین زبان نیز می‌آموختند. آن‌ها علاوه بر کار کتابداری غالباً کارهایی از قبیل تصحیح، استنساخ و ترجمه آثار مورد نیاز مقامات عالی مرتبه دولتی و مذهبی را برعهده داشتند. کتابدار کتابخانه معبد غالباً یک کاهن عالی مقام همراه با یک صاحب‌منصب بود که هر دو از طبقات بالا بودند. (تامپسون، ۱۳۶۶: ۹۵)

## آشوریان

پادشاهی آشوریان همزمان با فرمانروایی بابلیان بود. زبان آنان همان زبان بابلی و خط آنان خط میخی بابل بود. کتیبه‌ها و کتابت‌های زیادی از پادشاهان آشوری به جای مانده است زیرا آن‌ها به ثبت وقایع علاقه‌مند بودند. آشوریان لوحه‌هایی از گل رس می‌ساختند که پس از نوشتن مطالب آن‌ها را در آتش می‌پختند و در کتابخانه قرار می‌دادند (پیرنیا، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

برخی از مورخان بر این باورند که مهم‌ترین عاملی که نام آشوریان را در تمدن جاودانه ساخته کتابخانه‌های آنان است. از مشهورترین کتابخانه‌های



خط میخی

لوحه‌ها با نظمی منطقی و برحسب موضوع مرتب شده بودند و در اتاق‌های متعدد در قصر سلطنتی نگهداری می‌شدند. برای مثال، یک اتاق به الواح مربوط به تاریخ و حکومت و اتاق دیگر به الواح مربوط به افسانه و اساطیر اختصاص یافته بود. در قسمت پایین هر لوحه راهنمایی وجود داشت که به کاتب و مضمون لوحه و نظایر آن اشاره می‌کرد و در قسمت انتهایی هر گل نوشته یک قالب یا انگشتر نقش بسته بود با این مضمون مثلاً: لوحه شماره ... در طبقه ... کاخ آشور بانیپال. بر روی دیوار داخلی اتاق نیز سیاهه‌ای از الواح نصب شده بود. (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۸۲)

کاتبان کتابخانه همواره به استنساخ و ویرایش آثار قدیمی اشتغال داشتند و از روی نسخه‌های قدیمی که بر اثر استفاده ضایع شده بودند نسخه‌برداری می‌کردند. (تامپسون، ۱۳۶۶: ۴۵) ذکر این نکته حائز اهمیت است که مجموعه عظیم الواح گلی در کتابخانه نینوا به منظور آموزش فراهم آمده بود و استفاده عموم از آن‌ها آزاد بود، به همین دلیل از این کتابخانه با عنوان «کتابخانه گلین عمومی» نیز یاد شده است. (همان، ۵۵)

این کتابخانه بعد از مرگ آشور بانیپال به حیات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۶۱۲ ق. م با حمله سلطان «میدی کیازاس» به نینوا، کتابخانه نیز ویران شد. (استیوچویچ، ۱۳۷۳: ۴۲) اما خوشبختانه تمام الواح گلین آن از بین نرفت و تعدادی از آن‌ها امروزه در موزه بریتانیای لندن نگهداری می‌شود. (دال، ۱۳۷۲: ۴۳)

### یونان

اولین کتابخانه عمومی یونان را «پسیسیس تراسوس» در قرن ۶ ق. م در آتن بنا نهاد. (العبادی، ۱۳۷۹: ۷۲) کاغذ برای نوشتن در این دوره پایپروس بود که توسط فنیقی‌ها از مصر وارد شده بود. بعدها یونانی‌ها برای نگارش از برگ و پوست درخت نیز استفاده کردند. در زمان یونان هلنیستی (بعد از مرگ اسکندر ۳۲۳ ق. م تا غلبه رومی‌ها) از پوست آهو و گوساله برای نوشتن بهره می‌بردند. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۹۵)

از کتابخانه‌های دیگر در یونان می‌توان به کتابخانه‌های آکادمی افلاطون و لیسه ارسطو اشاره کرد. (العبادی، ۱۳۷۹: ۷۲) ارسطو در سال ۳۳۴ ق. م با کمک مالی اسکندر، مدرسه‌ای به نام «لیسه» برای تدریس معانی، بیان و فلسفه

آشور می‌توان به کتابخانه‌های معابد آشور، کالج، اربیل و نینوا اشاره کرد. (دال، ۱۳۷۲: ۴۴) الواح کتابخانه شامل ادبیات بابل و آشور، اشعار حماسی و مذهبی، مدارک نجومی، شرح مقیاس‌ها و اوزان، ادعیه و طلسم‌ها و شرح جنگ‌های پادشاهان و سرداران و امور اداری و ساختمانی آشور و فهرست زمانی و وقایع است. در هر یک از الواح نام و نشان پادشاه و منبع مندرج در لوحه ذکر شده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۵۶: ۶۰)

آشور بانیپال، پادشاه آشوری، که طی سال‌های ۶۶۸ تا ۸۲۶ ق. م حکومت می‌کرد، کتابخانه نینوا را که یکی از مجلل‌ترین و پربرترین کتابخانه‌ها بود در مرکز حکومتش نینوا (موصل کنونی) بنا نهاد. او که از دوستداران علم و ادب بود، زندگیش را وقف فعالیت‌های فرهنگی کرد. کاتبانی را به شهرهای مختلف از جمله کتابخانه بوریسیا در بابل فرستاد تا لوحه‌های گلی را استنساخ و ترجمه کنند و به نینوا منتقل سازند. (عواد، ۱۹۸۴: ۴۸) این لوحه‌ها که از حیث عده به چندین هزار می‌رسد اکنون در موزه بریتانیایی لندن مورد تحقیقات علمی است. (پیرنیا، بی‌تا، ۴۳)

نکته جالب توجه اینکه برای اولین بار در کتابخانه آشور بانیپال به فهرست برمی‌خوریم. تمامی

### برای اولین بار در کتابخانه آشور بانیپال به فهرست برمی‌خوریم

مصر زاده رود نیل است. (حاتم، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶) مصریان در تاریخ خط و کتابت گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند. آنان کتاب را چنان بزرگ می‌پنداشتند که گویی آن را می‌پرستند. برای مثال، در یکی از متون مصری می‌خوانیم: «انسان می‌میرد، جنازه او به خاک تبدیل می‌شود و همه همروزگاران او چهره در نقاب خاک می‌کشند و این کتاب است که یاد او را از زمانی به زمان دیگر انتقال می‌دهد. نگارش سودمندتر از یک خانه ساخته شده، یا یک صومعه در غرب یا یک قلعه شکست‌ناپذیر یا یک بت در معبد است» (جهانتاب، www.tebyan.net)

به این ترتیب دور از انتظار نیست که مصریانی که با چنین اندیشه‌ای به کتاب و کتابت نگاه می‌کردند برای ثبت دانش و فرهنگ خود عزمی والا به کار برده و فرآورده‌های بسیاری در زمینه کتاب و کتابت ثبت کرده باشند.

مصریان از نظر کتاب و ابزار نوشتن با تمدن‌های پیشین تفاوت‌های بسیاری داشتند. آن‌ها معمولاً بر روی سنگ، چوب، یا پوست و پارچه‌های کتان می‌نوشتند ولی در این بین پاپیروس از همه رایج‌تر بود. ابزار نوشتن آن هم قلم مو ماندی به همراه جوهرهای مشکی و قرمز بود. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۹۷) پاپیروس کاغذ مناسبی بود که از مغز گیاه علفی به نام «بردی» به دست می‌آمد و در باتلاق‌های دلتای مصر به وفور یافت می‌شد. مصریان مغز این گیاه را به صورت نوار در می‌آوردند و نوارها را به صورت دولا و سه لا به صورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند، آنگاه پس از خیساندن با فشار به هم می‌چسباندند و سپس صیقل می‌دادند. علاوه بر آنکه بهای پاپیروس بسیار ارزان بود با آب و هوای مصر (عدم وجود رطوبت) نیز کاملاً سازگار بود. به همین دلیل بسیاری از طومارهای پاپیروس در گورستان‌ها، معابد، و حتی خانه‌های شخصی محفوظ مانده است. (سارتون، ۱۳۴۶: ۲۷)

اما رجحان پاپیروس بر سایر مواد نوشتنی چون استخوان، چرم و گل رس این بود که نوشته‌های طولانی بر روی این ابزار از هم جدا می‌ماند و نگهداری آن‌ها برای قرون متوالی کاری دشوار و غیرعملی بود در حالی که مخترعان هوشمند پاپیروس دریافته‌اند که می‌توان کنار این ورقه‌ها را به یکدیگر چسباند و طوماری به طول دلخواه ساخت و سند یا نوشته را هر قدر هم طویل باشد



تأسیس نمود. این مدرسه دارای باغی زیبا بود که کتابخانه‌ای بزرگ ضمیمه آن بود (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸، ۴۱)

کتابخانه «پرگاموم» نیز از جمله کتابخانه‌های مشهور یونان بود که ۲۰۰۰۰۰ جلد کتاب داشت (همایی، ۱۳۶۳: ۲۶) این کتابخانه در سال ۱۹۶ ق.م به وسیله «ثومنز دوم» در رقابت با کتابخانه اسکندریه تأسیس شد. تولید کتاب در این شهر در چنان سطح گسترده‌ای انجام می‌گرفت که مصریان صادرات پاپیروس را به امید مایوس کردن آن‌ها از استسناخ کتاب موقوف کردند. (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۷۴)

حفاری‌هایی که در معبد آتنا در پرگاموم انجام شده، نشان می‌دهد که اتاق‌های کتابخانه را در قسمت شمالی بنا و رو به شرق ساخته بودند تا نور کافی دریافت کنند. بزرگ‌ترین اتاق کتابخانه به مساحت ۱۸ در ۱۵ متر دارای سکوی باریکی به ارتفاع یک متر بود که در سه طرف اتاق قرار گرفته و روی دیوارهای پشت سکو، محفظه‌هایی برای قرار دادن قفسه‌ها تعبیه شده بود. همچنین نیمکتی بین مراجعان و طومارها قرار داشته که به احتمال قوی وسیله‌ای برای گشودن طومار بوده است. (عازم، ۱۳۷۹، ۴۰۰).

**قدیمی‌ترین کتاب مصری و مشهورترین کتاب عالم به نام «پاپیروس پرس» است که قبل از سال ۲۸۸۰ ق.م به نگارش در آمده و اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود**

## مصر

تمدن مصر همزمان با تمدن‌های سومریان، بابلیان و آشوریان در انتهای بخش دیگر هلال حاصلخیز شکوفا شد. (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۸۳) موقعیت جغرافیایی مصر تأثیر عمده‌ای در چگونگی اوضاع سیاسی و فرهنگی این کشور داشت. به طوری که تمدن مصر را می‌توان وابسته به رودخانه نیل دانست چنانچه هرودوت می‌نویسد:

## بزرگ‌ترین و معروف‌ترین کتابخانه در مصر، کتابخانه اسکندر به بود. سابقه تشکیل این کتابخانه به زمانی برمی‌گردد که اسکندر بر مصر تسلط یافت و دستور داد تا در کنار رود نیل شهری بزرگ به نام «اسکندریه» ایجاد کنند

بر آن نوشت و آن را محفوظ نگه داشت. آن‌ها این طومارها را در کوزه‌های دهان گشاد گلی (خم) یا استوانه‌های فلزی که دارای نشانه‌های شناسایی بود نگهداری می‌کردند. (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۲، ۲۰۸)

در مصر باستان کتابخانه‌ها از نوع شخصی، معبدی و بایگانی‌های دولتی بود. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۹۷) از کتابخانه‌های نیمه دوم قرن سوم پیش از میلاد می‌توان به کتابخانه معبد معروف الهه «زیدا» اشاره کرد. در این معبد لوحی کشف شده که بر آن چنین نوشته شده است: «این سالن، کتاب‌های بانوی مکرم سیسات، الهه تاریخ است.» در این سالن همچنین قفسه‌هایی در داخل دیوار کشف شده که مشخصاً برای حفظ طومارهای پاپیروسی به کار گرفته می‌شده است. در یکی از دیوارها سیاه‌های از کتاب‌ها یافت شده که دارای ۳۷ عنوان کتاب بوده است. (استیپچویچ: ۱۳۷۳: ۵۹)

قدیمی‌ترین کتاب مصری و مشهورترین کتاب عالم به نام «پاپیروس پرس» است که قبل از سال ۲۸۸ ق. م به نگارش درآمده و اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. در پرتو آب و هوای مناسب مصر، بسیاری از طومارهای پاپیروس به‌ویژه در گورستان‌ها و بقایای معابد و حتی در خانه‌های شخصی محفوظ مانده است. (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۸۳).

اما بزرگ‌ترین و معروف‌ترین کتابخانه در مصر، کتابخانه اسکندریه بود. سابقه تشکیل این کتابخانه به زمانی برمی‌گردد که اسکندر بر مصر تسلط یافت و دستور داد تا در کنار رود نیل شهری بزرگ به نام «اسکندریه» ایجاد کنند. او که علاقه فراوانی به کتاب و هنر داشت مدرسه اسکندریه را در آن شهر بنا ساخت و کتابخانه‌ای ضمیمه آن کرد. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۹۸) اسکندر همچنین پس از آنکه شهر استخر فارس (پایتخت ایران) را تسخیر کرد دستور داد خزانه‌ها و دفترها و کتاب‌های سلطنتی را از فارسی به زبان مصری ترجمه و آن‌ها را به کتابخانه اسکندریه منتقل کنند. (العش، ۱۳۷۲: ۶۷)

اما ساخت کتابخانه مشهور اسکندریه به دستور «بطلمیوس اول» (سوتر) در سال ۲۲۸ ق م آغاز شد و «بطلمیوس دوم» (فیلا دلفوس) آن را به اتمام رسانید. در انتهای سلطنت بطلمیوس دوم تعداد طومارها به ۵۳۲ هزار رسیده بود که به معنای امروزی شامل حدود یکصد هزار جلد کتاب

می‌شد. تا مدتی افزودن به این مجموعه، در چشم پادشاهان برابر با افزایش قدرت سیاسی بود. به همین جهت «بطلمیوس سوم» (اورجنیس) فرمان داد که هر کتابی که به اسکندریه وارد می‌شود بایستی یک نسخه از آن در کتابخانه نگه‌داشته شود. همین دیکتاتور درخواست کرد که آتن نوشته‌های آشیل، سوفکل و اورپید را به او امانت دهد و وی پس از پرداخت وجه الضمان آن، نسخه‌های اصلی را نگه‌داشت و نسخه رونوشت را باز فرستاد. (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۲، ۶۷۲)

کتابخانه اسکندریه نظر مردان تاریخ را به خود جلب کرده است. در میان کتابداران آن می‌توان از «دمتریوس، زودوتوس، اراتوستن، آپولونیوس، کالیماخوس» و بلند مرتبگانی دیگر نام برد. (العبادی، ۱۳۷۹: ۹۱) کتابخانه دارای تعداد زیادی کاتب بود که احتمالاً از بردگان انتخاب شده بودند. آن‌ها از نسخه‌های اصلی رونوشت برمی‌داشتند و عده زیادی از دانشمندان آن‌ها را خوانده و برحسب مطلب به گروه‌هایی تقسیم می‌کرده‌اند. گروهی از آن‌ها متن‌های ادبی یا علمی را می‌نگاشتند، عده‌ای دیگر به تصحیح متون می‌پرداختند و گروه دیگر بر آن‌ها تفسیر می‌نوشتند تا عوام و نسل‌های آینده آن‌ها را بهتر درک کنند. (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۲، ۶۷۳)

کتاب‌ها را در کتابخانه براساس موضوع به دو نوع تفکیک کرده بودند، کتاب‌های درهم، که شامل کتاب‌هایی بود که بیش از یک موضوع را شامل می‌شد، و کتاب‌های تفکیک شده که یک موضوع علمی را در برمی‌گرفت. (العبادی، ۱۳۷۹: ۹۳)

مسئول کتابخانه کتاب‌ها را ثبت و طبقه‌بندی می‌کرد. در موقع ثبت کتاب‌ها، مطالب مربوط به منشأ و محل اولیه انتشار کتاب آورده می‌شد و به دنبال آن نام صاحب کتاب و دانشمندانی که کتاب را اصلاح یا ویراستاری کرده بودند نیز ثبت می‌کردند. دفتری نیز از محتویات کتابخانه در دست بود تا خوانندگان بتوانند از آن‌ها استفاده کنند و کتابی را که در جست‌وجوی آن هستند، بیابند. (همان، ۹۴)

کتابخانه را ۴۸ سال قبل از میلاد مسیح «ژولیوس سزار» رومی به آتش کشید ولی باز به ایجاد آن همت گماشتند. (صفا، ۱۳۷۳: ۵)

دومین کتابخانه در اسکندریه در ناحیه «سراپيوم» به فرمان بطلمیوس سوم ساخته شد و در معبد سراپیس قرار داشت. این کتابخانه که حدود ۱۰۰

**کتابخانه**  
**«پرگاموم»**  
**نیز از جمله**  
**کتابخانه‌های**  
**مشهور یونان بود**  
**که ۲۰۰۰۰۰ جلد**  
**کتاب داشت. این**  
**کتابخانه در سال**  
**۱۹۶ ق. م به وسیله**  
**«آتومنز دوم» در**  
**رقابت با کتابخانه**  
**اسکندریه**  
**تأسیس شد**

هزار طومار پاپیروس داشت. (مزیانی، ۱۳۷۹: ۹۹)  
 تحت سلطه «تئودوسیوس کبیر» (۱۳۷۹ - ۳۹۵  
 بعد از میلاد) که بسیاری از معابد بت پرستان را  
 ریشه کن کرد از بین رفت. (همان: ۹۵)

### کتابخانه‌های روم

فرهنگ امپراطوری روم تداوم فرهنگ یونان بود.  
 آن‌ها ادبیات، فلسفه و علوم یونان را مورد مطالعه  
 قرار دادند. رومی‌ها مانند یونانی‌ها برای نوشتن از  
 پاپیروس، پوست آهو، گوساله و نظیر آن استفاده  
 می‌کردند. (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۸۷) از قرن دوم  
 پیش از میلاد و از میانه این قرن زبان لاتین  
 رواج یافت و ثبت و ضبط تاریخ در روم آغاز شد.  
 سرداران رومی به کتاب و کتابداری علاقه‌مند  
 شدند و در هر جنگی کتاب‌های کتابخانه‌ها را  
 غارت می‌کردند و به روم می‌آوردند و بعد از ترجمه  
 به زبان لاتین در کتابخانه‌های شخصی خود  
 نگهداری می‌کردند.

مشهورترین نمونه  
 از این کتابخانه‌ها به  
 «لوکوس» (۱۱۴ -  
 ۵۷ ق.م) تعلق داشت.  
 (مزیانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰)  
 کتابخانه‌های عمومی  
 در زمان امپراطوری روم  
 باستان تأسیس شد.  
 ژولیوس سزار تأسیس  
 این‌گونه کتابخانه را  
 در پایتخت امپراطوری  
 خود تصویب کرده  
 بود، گرچه خود او  
 پیش از آنکه این طرح  
 اجرا شود در گذشت.  
 (راسخ‌نیا، ۱۳۸۰: ۴۶)  
 در سال ۳۹ ق. م  
 نخستین کتابخانه  
 توسط آسی‌نیوس  
 پولیون در معبد حریه  
 ساخته شد و در عهد  
 امپراطور «اگوستوس»  
 در روم نیز دو کتابخانه  
 بزرگ دیگر تأسیس  
 شد: کتابخانه پالاتین  
 در سال ۲۸ ق. م و

کتابخانه اکتاوین منسوب به اکتاوی خواهر امپراتور  
 در میدان الهه مارس ساخته شد. کتابخانه پالاتین  
 در ۱۹۰ و اکتاوین در سال ۸۰ از میان رفت.  
<http://librarianshin-word.Blagfa.Com>

### کتابخانه‌های هند باستان

در هند باستان هم‌زمان با تشکیل دانشگاه‌ها  
 و مراکز آموزشی، کتابخانه‌ها نیز شکل گرفت.  
 از مهم‌ترین دانشگاه‌های هند که دارای کتابخانه‌های  
 معتبر بودند می‌توان از دانشگاه «نالاندا» نام برد که  
 در سال ۴۰۰ میلادی دارای کتابخانه‌ای بزرگ بود.  
 در این کتابخانه نوشته‌هایی را که بر روی برگ‌های  
 خرما می‌نوشتند در پارچه‌ای ضخیم و در رف‌های  
 سنگی یا آجری نگه می‌داشتند. همچنین دانشگاه  
 «تاکسیلا» نیز دارای کتابخانه‌ای معتبر بود.  
 (موکهرجی، ۱۳۶۸: ۹۱)

### کتابخانه‌های چین باستان

نیازهای عملی جامعه چین موجب اختراع خط  
 و تسهیل پیدایش علوم گردید. خط چینی به  
 کهن‌ترین دوران باستانی این کشور مربوط می‌شود.  
 در متونی که بر روی استخوان در هزاره دوم ق.م  
 نقش گردیده، دانشمندان بیش از دو هزار علامت  
 خط تصویری بر شمرده‌اند و این خود به خوبی نشان  
 می‌دهد که خط چینی در تاریخی بسیار قدیمی تر  
 پدیدار شده است. (حاتم، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۳۸)  
 اولین کتاب‌های چینی، لوحه‌های چوبی بودند که  
 با ابزارهای تیز، کنده‌کاری شده و سپس به وسیله  
 قلم نی بلندی با مرکب بر روی آن می‌نوشتند. در  
 سال ۲۱۳ ق.م به دستور نخستین امپراطور چین،  
 «شی‌هوانگ‌تی» تمامی کتاب‌های چوبی سوزانده  
 شد، این فرمان منجر به ظهور فعالیت ادبی بزرگی  
 شد؛ زیرا مردم برای ثبت آثار خود لوح ابریشم را  
 به کار گرفتند و به وسیله قلم‌های نی و فرش‌های از  
 موی شتر بر آن می‌نوشتند، ابریشم از حیث نرمی و  
 درخشندگی بر پاپیروس امتیاز داشت گرچه قیمت  
 آن گران‌تر بود. (دال، ۱۳۷۲: ۴۱)  
 اما کهن‌ترین کتابخانه در چین در سده هفتم  
 قبل از میلاد به وجود آمد. این کتابخانه در شهر  
 «لویانگ» قرار داشت و «لائوت»، فیلسوف مشهور  
 کتابدار آن بود (مزیانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).  
 در سال ۲۰۷ ق.م استنساخ و انتشار کتاب در  
 چین رواج یافت. این زمان مصادف با روی کار  
 آمدن سلسله «هان» بود. امپراطوران این سلسله



فرستادگان ویژه‌ای را به کتابخانه‌های شخصی یا کتابخانه‌های معابد در پی یافتن کتاب‌های کمیاب می‌فرستادند و هر گاه کتاب جدیدی می‌یافتند آن را در مقابل گرفتن پول به عاریه می‌گرفتند و بعد از نسخه‌برداری از آن، یک نسخه از آن را در کتابخانه امپراطور قرار می‌دادند. (استیچیویچ، ۱۳۷۳: ۷۲).

### کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

یکی از افتخارات ایرانیان باستان داشتن کتابخانه بود که نشان می‌دهد آن‌ها در سه‌هزار سال قبل مردمانی دانش‌پژوه و متفکر بوده‌اند و این یکی از دلایل برتری فرهنگ این ملت بر سایر ملل و اقوام در قرون متمادی پیشین است. ایرانیان در ابتدا برای نوشتن از گل استفاده می‌کردند و آنچه را می‌خواستند بنویسند بر روی خشت‌های قالب‌گیری شده می‌نوشتند، سپس آن‌ها را در کوره‌های مخصوص می‌پختند تا مانند سفال محکم شود. اکثر نوشته‌های دوران مادها، هخامنشیان و اشکانیان بر روی الواح گلی بوده است. ایرانیان همچنین بر روی پوست حیوان‌هایی که برای معابد و آتشکده‌ها قربانی می‌کردند. سروده‌های دینی خود را می‌نوشتند. (همایونفرخ، ۱۳۴۴: ۱۱).

ایرانیان به حفظ و نگهداری دانش‌های بشری توجه و علاقه مبذول می‌داشتند و به همین منظور برای نگهداری آن‌ها از گزند حوادث و آفات زمینی و آسمانی اوراقی را برگزیدند که در برابر گذشت زمان ایستادگی می‌کرد و از عفونت و پوسیدگی مصون می‌ماند. این اوراق پوست درخت خدنگ بود که آن را «توز» می‌گفتند. مردم کشورهای چین و هندوستان و همچنین دیگر کشورهای مجاور ایران زمین از ایشان در این کار پیروی کردند و توز را برای نوشتن برگزیدند. ایرانیان پس از آنکه دانش‌های گوناگون را بر روی پوست توز نوشتند پی‌جوی آن شدند که مکانی بیابند که خاک آن به زودی فاسد نشود و زلزله‌خیز نباشد و از خسوف برکنار بماند، این بود که پس از جست‌وجوی فراوان، شهری جز اصفهان با این خصوصیات نیافتند و در آنجا نیز در گوشه و کنار شهر جایی بهتر از جی ندیدند، پس علوم خود را در آنجا به ودیعت گذاشتند. (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۸).

### کتابخانه دژ نبشت یا گنج نبشت

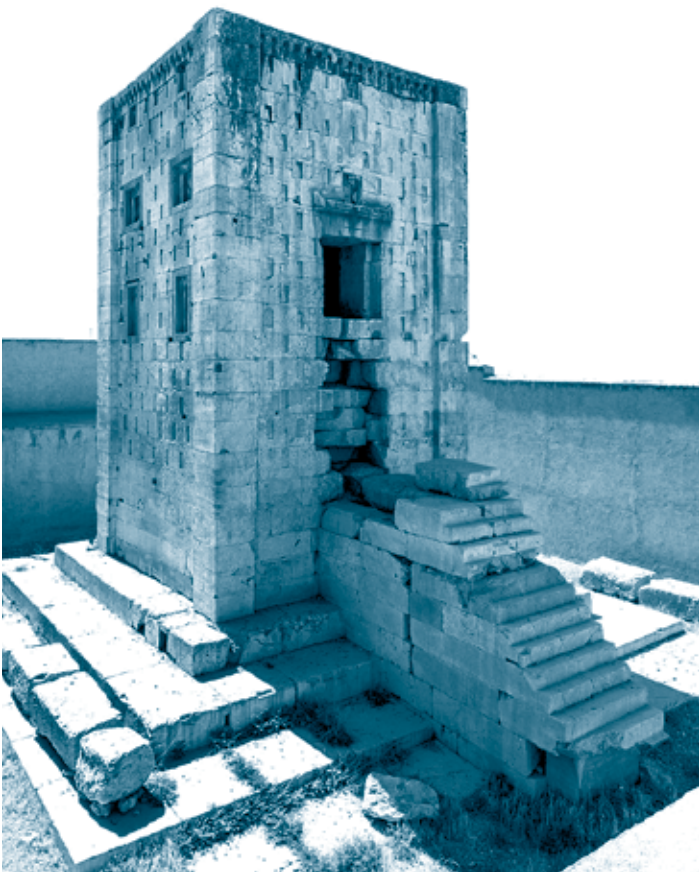
کتابخانه دژ نبشت در کاخ آپادانا قرار داشته و دارای هزاران لوح گلی بوده که شامل مجموعه‌ای از دانش‌های مختلف از قبیل علوم طبیعی، پزشکی

و هیئت می‌شده است. (پارسایان، ۱۳۸۲: ۲۳) در این کتابخانه تمامی کتاب اوستا بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود که بزرگ‌ترین مخزن کتاب و نوشته‌های عهد هخامنشی به‌شمار می‌رفت. در سی‌امین سال سلطنت گشتاسب، زردشت ظهور کرد و پادشاه را به دین خود فرا خواند. کتاب او را که کلام وحی بود بر روی پوست گاو حک و به طلا منقش ساختند، این نسخه را گشتاسب در کتابخانه دژ جای داد. (طبری، ۱۳۶۸، ج ۲، ۴۷۷) در این کتابخانه همچنین دفاتر شاهی، سالنامه‌های مدون و مضبوط و کتاب‌ها و نوشتارهای علمی این دوره که بیش‌تر مربوط به طب و نجوم بود نگهداری می‌شد. هرودوت (۴۲۵ - ۴۸۴ ق.م) مورخ مشهور یونان در کتاب خود به این موضوع اشاره کرده است. دارپوش اول هخامنشی (۴۸۶ - ۵۲۲ ق.م) در ترویج و تأسیس این کتابخانه نقش داشته است. (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۷).

الواح گلی، لوح زرین، پارشمن، پاپيروس و نوشته‌هایی بر پوست درخت خدنگ از جمله چیزهایی بود که در خزانه نگهداری می‌شد. این الواح را که براساس مکان و سال طبقه‌بندی شده بودند در داخل سبد گذاشته سپس در قفسه‌ها قرار می‌دادند. هر سبد برچسب خاصی داشت که بر روی آن نام کالا، حواله مزبور، محل صدور، نام مأمور مسئول و سال تحویل آن قید شده بود. وجود این سبدها نشان‌دهنده نظام طبقه‌بندی دقیق و منظم و پیشرفته‌ای بود که در گنجینه تخت‌جمشید به کار رفته بوده است. (کخ، ۱۳۷۶: ۳۸).

ابن‌ندیم درباره سرنوشت این کتابخانه

کتابخانه دژ  
نبشت در کاخ  
آپادانا قرار  
داشته و دارای  
هزاران لوح گلی  
بوده که شامل  
مجموعه‌ای  
از دانش‌های  
مختلف از قبیل  
علوم طبیعی،  
پزشکی و هیئت  
می‌شده است



## کتابخانه شیزگان یا گنج شاپیکان، در شیز بود که خرابه‌های آن همراه با ویرانه‌های آتشکده آذرگشنسب، تحت عنوان تخت سلیمان در آذربایجان باقی است

### کتابخانه اردشیر بابکان و شاپور

اردشیر بابکان (۲۲۴ - ۲۴۱ م) سر سلسله ساسانیان بود. او ضمن حمایت از روحانیون زردشتی از ضعف اشکانیان استفاده کرد و حکومت ساسانی را پایه‌گذاری کرد. اردشیر که مردی خردمند بود به دانش و فرهنگ توجه مخصوص داشت. وی با جدیت و کوشش به جمع‌آوری آثار کهن از زمان هخامنشیان به‌خصوص آثار دوران پارت پرداخت (جواهر کلام، ۱۳۱۱: ۱۰) او مردمانی را به هند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتاب‌هایی که در نزدشان بود نسخه‌برداری نمایند و به جست‌وجوی مقدار کمی هم که در عراق مانده بود پرداخت و آن‌ها را در گنجینه‌های نگهداری کرد. (ابن‌الندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۷) وی همچنین علاقه زیادی به جمع‌آوری اشیای قدیمی از دوران هخامنشی داشت. لذا تا آنجا که می‌توانست به فراهم کردن این آثار هنری و اشیای قدیمی همت گماشت. (پارسایان، ۱۳۸۲: ۲۱)

پسر اردشیر، شاپور اول، کار پدر را ادامه داد و آنچه را از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده و به‌صورت کتاب در آمده بود جمع‌آوری کرد. وی همچنین به گردآوری اوستا پرداخت و با کمک موبدان، اوستا را بار دیگر پس از اینکه اسکندر سوزانده بود احیاء کرد. این مجموعه عظیم در کاخ مدائن در تیسفون واقع بوده است. (مزینانی، ۱۳۸۴: ۱۴۰)

این کتابخانه تا قرن‌ها دوام داشت، تا اینکه در زمان طغرل، اولین پادشاه سلجوقی، غارت شد. (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۷)

### کتابخانه انوشیروان

شهر جندی‌شاپور را شاپور اول در رقابت با انطاکیه بنا کرد. سپس انوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۹ م) در آن شهر مدرسه و بیمارستان عظیمی بنا کرد. این مدرسه محل تحصیل طب و فلسفه بود. (همایی، ۱۳۶۳: ۳۰) برخی از استادان جندی‌شاپور مسیحیان نستوری بودند که بعد از بسته شدن مدرسه فلسفی‌ها به‌دست امپراتور روم، در سال ۴۸۹ م به ایران پناهنده شده بودند. نظیر این جریان در سال ۵۲۹ م نیز اتفاق افتاد که هفت تن از فلاسفه رومی بر اثر سخت‌گیری‌های امپراتور روم، به دربار انوشیروان پناهنده شدند و با عزت و احترام مورد استقبال قرار گرفتند. (محمدی، ۱۳۸۵، ۵۸) کتابخانه انوشیروان در مجاورت بیمارستان

می‌نویسد: اسکندر مقدونی پس از آنکه بر تخت جمشید استیلا یافت پس از تخریب کاخ‌ها و ساختمان‌ها، آنچه را که بر تخته‌سنگ‌ها از انواع علوم نقش بسته و کنده‌کاری شده بود ویران کرد، سپس دستور داد تا مترجمان از آنچه در دیوان‌ها و خزینه‌های اصطخر بود رونوشتی بردارند و به زبان قبلی برگردانند. سپس آن‌ها را به مصر فرستاد تا در کتابخانه اسکندریه نگهداری شود. (ابن‌الندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۶) همچنین دستور داد تا بعضی از قسمت‌های اوستا را که در نزد ایرانیان مقدس بود بسوزانند. (مسعودی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۱۰) از همین رو بود که پارسیان قدیم او را ملعون می‌خواندند. (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۲۵۶)

### کتابخانه اگره یا گنجینه اکباتان

این کتابخانه در هگمتانه (همدان امروزی) قرار داشته است، پیشینه این کتابخانه به سلسله مادها می‌رسد. در این کتابخانه زیورآلات و نقدینه‌های دولتی نگهداری می‌شده در بخش دیگر آن، اسناد مربوطه به فرمان شاهان ماد و هخامنشی، یادداشت‌های سیاسی و پیمان‌نامه‌های نظامی و قراردادهای اقتصادی و تجاری داریوش کبیر (داریوش اول) وجود داشت. (قدیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۷)

### کتابخانه شیزگان یا گنج شاپیکان

این کتابخانه در شیز بود که خرابه‌های آن همراه با ویرانه‌های آتشکده آذرگشنسب، تحت عنوان تخت سلیمان در آذربایجان باقی است. (همایونفرخ، ۱۳۴۵، ج ۱: ۲۱)

### کتابخانه‌های ایران در زمان پارت‌ها

در دوران پارت‌ها بیشتر بر پوست گاو می‌نویسیدند و ضمناً تحولی هم در نوشته‌های گلی پدید آمده بود و آن اینکه بر قطعه‌های سفالی با رنگ‌های مختلف آنچه را می‌خواستند می‌نوشتند و سپس لعاب می‌دادند. با این روش لوح‌هایی به‌دست می‌آمد که هم استحکام بیشتر داشت و هم در اثر داشتن لعاب، رطوبت نمی‌توانست رنگ آن را زائل کند. از این گونه لوح‌ها یکی لوحی است که در نسا (۱۸ کیلومتری شمال غربی عشق‌آباد) به‌دست آمده است. در نسا و اورامان قطعات بسیاری از چرم‌های نوشته شده متعلق به دوران پارت‌ها به‌دست آمده که بر آن‌ها مطالبی راجع به امور اقتصادی و سیاسی نوشته شده است. (همان: ۲۲)



## منابع

۱. ابن الندیم؛ **المهرست**، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۲. استیجیوچ، الکساندر؛ **کتاب در پویه تاریخ**، ترجمه حمیدرضا آذری، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۳. پارسائیان، حسن؛ **کتابخانه‌های ایران باستان**، پیام بهارستان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲.
۴. پیرنیا، حسن؛ **تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه**، انتشارات کتابخانه خیام، بی‌تا.
۵. جواهر کلام، عبدالعزیز؛ **کتابخانه‌های ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر**، تهران: فردوسی، ۱۳۱۱.
۶. جیمز، تامسون؛ **تاریخ اصول کتابداری**، ترجمه محمود حقیقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۷. حاتم، غلامعلی؛ **آشنایی با هنر در تاریخ**، تهران: دانشگاه پیام‌نور ۱۳۸۲، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۸. حاتم، غلامعلی؛ **آشنایی با هنر در تاریخ**، تهران: دانشگاه پیام‌نور، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۹. دال، سوندا؛ **تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر**، ترجمه محمدعلی خاکساری، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۰. دوانی، علی؛ **مفاخر اسلام**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۳.
۱۱. دورانت، ویل؛ **تاریخ تمدن**، جلد دوم یونان باستان، مترجمان امیرحسین آریان‌پور، فتح‌الله محتجایی، هوشنگ پیرنظر، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۱۲. راسخ، علی‌احمد؛ **کتاب و کتابخانه در حوزه‌های شیعی از قرن سوم تا پایان قرن پنجم هجری**، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹.
۱۳. رجبی، محمدحسن؛ **کتابخانه در ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۴. روسو، پی‌یر؛ **تاریخ علوم**، ترجمه حسن صفاری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۵. سارتون، جورج؛ **تاریخ علم**، علم قدیم تا پایان دوره طلایی یونان، مترجم احمد آرام، تهران: فرانکلین، چاپ دوم، ۱۳۴۶.
۱۶. سامی، علی؛ **تمدن ساسانی**، بخشی از مجموعه دروس، شیراز: انتشارات موسوی، ۱۳۴۲.
۱۷. صفا، دبیح‌الله؛ **تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی**، دانشگاه تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
۱۸. طبری، محمدبن جریر؛ **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۱۹. عازم، پرویز؛ **نگاهی به کتابخانه و خدمات آن در درخشان‌ترین دوران تمدن اسلامی**، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹.
۲۰. العبادی، مصطفی؛ **زندگی و سرنوشت کتابخانه باستانی اسکندریه**، ترجمه دکتر علی شکوهی، تهران: دبیر هیئت‌امنی کشور، ۱۳۷۹.
۲۱. عباس‌نژاد، محسن؛ **پیشرفت علم با تأکید بر نقش دین**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۲. عزتی، ابوالفضل؛ **آموزش و پرورش در اسلام**، تهران: انجمن علمی و مذهبی دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۳.
۲۳. العش، یوسف؛ **کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی** (بین‌النهرین، سوریه و مصر)، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ **کتاب و کتابخانه زیربنای تمدن و علوم اسلامی**، انتشارات چاپ استوار، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
۲۵. عواد گورگیس؛ **خزانةالکتب القدیمة فی العراق**، مطبعة المعارف ۱۹۸۴م، ۱۳۶۷ ق.
۲۶. غنیمه، عبدالرحیم؛ **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**، ترجمه نورالله کسائی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۲.
۲۷. قدیانی، عباس؛ **تأثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان**، تهران: جاودان‌خرد، ۱۳۷۶.
۲۸. کج، هاید ماری؛ **از زبان داریوش**، ترجمه پرویز رجبی، نشر کارنگ، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
۲۹. لوکاس، هنری؛ **تاریخ تمدن**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان، ۱۳۷۶.
۳۰. محمدنیا سماکوش، مرتضی، به همکاری حسن اشرفی و حسین محمدی؛ **سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران**، تهران: کتابدار، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۳۱. محمدی، ذکراالله؛ **نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب**، قزوین: انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۳۲. مزینانی، علی؛ **کتابخانه و کتابداری**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴.
۳۳. مسعود؛ **مروج الذهب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۳۴. موکهرچی، اجیت کومار؛ **تاریخ و فلسفه کتابداری**، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۳۵. نیکنام، مهرداد؛ **آفت‌ها و آسیب‌های مواد کتابخانه‌ها**، ترجمه و گردآوری و تألیف مهرداد نیکنام، تهران: هیئت‌امنی کتابخانه‌های کشور، ۱۳۷۱.
۳۶. همایونفرخ، رکن‌الدین؛ **تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی**، تهران: سازمان کتابخانه‌های عمومی شهرداری، ۱۳۴۴.
۳۷. همایونفرخ، رکن‌الدین؛ **کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران**، تهران: وزرات فرهنگ و هنر، ۱۳۴۵.
۳۸. همایی، جلال‌الدین؛ **تاریخ علوم اسلامی**، تهران: انتشارات نشر، ۱۳۴۳.

39. <http://librarianshin-word.Blagfa.Com>  
40. [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net) (جهانباب)

جندی‌شاپور قرار داشت. با پیدا شدن نهضت علمی که از زمان اردشیر شروع شده بود، کتاب‌هایی از هند و یونان به ایران آورده شد. بعدها آن کتاب‌ها را ترجمه کردند بیشتر این کتاب‌ها در زمینه علم پزشکی بود. از جمله کتاب‌هایی که از هند آورده بودند، کتاب‌های کلیله و دمنه و هزار و یک شب بود که از زبان سانسکریت به زبان فارسی برگردانده شد. (جواهر کلام، ۱۳۱۱: ۱۱)

دانشگاه و کتابخانه بزرگ جندی‌شاپور در هرج و مرجی که در پایان حکومت ساسانیان ایجاد شد دچار افول شدیدی گشت. (سامی، ۱۳۴۲: ج ۱، ۱۱۸)

